

p

عنوان پایان نامه

**بحران اوستیای جنوبی و تاثیر آن
بر روابط بین الملل**

**تقدیم به روح بلند و ملکوتی بنیانگذار
نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران
حضرت امام خمینی (ره)**

**تقدیم به روح پرفتح شهدای انقلاب و
جنگ تحمیلی که در راه رسیدن به
وصال دوست جان فدا کردند.**

**تقدیم به روح پرفتح برادر شهیدم که
در راه حفاظت و حراست ارزشهای
اسلام و انقلاب به شهادت رسید.**

چکیده پایان نامه

جنگ در اوستیای جنوبی در ماه اوت سال ۲۰۰۸، درگیری مسلحانه ای بود که بین گرجستان، از یک طرف، روسیه و دولت جدایی طلب اوستیای جنوبی از طرف دیگر اتفاق افتاد. از سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۱، تاکنون همواره تنش بین جمهوری خود مختار اوستیای جنوبی و دولت گرجستان وجود داشته که در تابستان سال ۲۰۰۸ تنش ها شدت گرفت و درگیریها افزایش یافت و منجر به جنگ بین طرفین گردید و عصر روز ۷ اوت ۲۰۰۸، گرجستان حمله نظامی وسیعی را به اوستیای جنوبی آغاز کرد و تلاش تا این منطقه را اشغال نماید.

با واکنش روسیه در روز بعد و استقرار نیروهای نظامی خود در اوستیای جنوبی، طی پنج روز در شهر تسخینوالی که محل اصلی جنگ است، از زمین، هوا و دریا گرجستان را بشدت مورد حمله قرار داد و پس از پنج روز نبرد سنگین روسیه توانست ضمن بیرون راندن ارتش گرجستان از شهر تسخینوالی مرکز اوستیای جنوبی، شهرهای غربی گرجستان را به اشغال خود درآورد.

سپس رئیس جمهور فرانسه به نمایندگی از اتحادیه اروپا مامور ایجاد توافق برقراری آتش بس بین طرفین شد و در تاریخ ۱۲ اوت آتش بس مقدماتی مورد توافق دوطرف قرار گرفت مدودف دستور توقف عملیات نظامی روسیه را صادر کرد. این توافقنامه در تاریخ ۱۵ ماه اوت، توسط گرجستان در تفلیس و در ۱۶ اوت توسط روسیه در مسکو امضاء شد و جنگ خاتمه یافت.

جنگ در قفقاز جنوبی بعنوان وضعیتی ناشی از پیامدهای بحران اوستیای جنوبی و تاثیر آن بر نظام بین الملل و متعاقب آن بر سایر سطوح منطقه ای، ملی و بین المللی مورد توجه قرار گرفت. این بحران در ساختار نظام بین الملل و مناسبات بین قدرتهای جهانی تاثیرات زیادی برجای گذاشت و نشان دهنده تاثیرات بسیار زیاد رقابت بین قدرتها بر وضعیت امنیت یک منطقه و حتی کل جهان است.

مهمترین پیامدهای این جنگ، تحول در نقش بین المللی و منطقه ای روسیه، دگرگونی در روابط روسیه و غرب، تشدید تخاصم بین روسیه و غرب، رویارویی روسیه با آمریکا و ناتو و مواضع متفاوت سیاسی کشورهای منطقه و فرامنطقه ای است. همچنین عناصری از جنگ سرد در قالب ایجاد تخاصم بین روسیه و غرب تداوم یافت و برخی تحلیلها و ارزیابیها بیانگر ورود مناسبات بین المللی به فضای جنگ سرد تازه میان آمریکا و روسیه بود، اما بعضی از تحلیل گران اعتقاد دارند نشانه ها و شرایط این بحران را نمیتوان آغازگر یک جنگ سرد تازه بین شرق و غرب به حساب آورد، زیرا

جنگ سرد خصوصیات و ویژگی‌هایی دارد که در این جنگ مشاهده نشد و استنباط این است که بازیگران اصلی تمایلی به احیای جنگ سرد ندارند.

همچنین بررسی چگونگی تأثیر این بحران بر روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا و روابط روسیه با کشورمان نیز مدنظر قرار گرفته است تا بدینوسیله بتوان با توجه به پیامدهای این بحران بر روابط روسیه با غرب و همچنین روسیه با کشورمان بتوان در آینده به پیش بینی های نزدیک به واقعیت بویژه در بحث امنیت منطقه ای و تامین انرژی دست یافت. از طرفی سیاستی اتخاذ شود تا روابط کشورمان با روسیه و کشورهای غربی نیز به نحوی به تنظیم گردد که تامین کننده منافع ملی ما در آینده باشد.

در تهیه، تدوین، تنظیم و نگارش این پایان نامه افرادی نقش داشتند و اینجانب را در این زمینه یاری کردند .

بدینوسیله از زحمات بی شائبه جناب آقای دکتر قاسمی استاد و رئیس بخش علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر نوازانی استاد این دانشگاه که به عنوان استاد مشاور با راهنمائیها، ارشادات و ارائه مشاوره های ارزنده خود مرا در نگارش پایان نامه یاری کردند، بسیار سپاسگزارم .

همچنین از زحمات ارزنده جناب آقای دکتر اطهری استاد دانشگاه آزاد اسلامی و داور خارج، جناب آقای دکتر بزرگمهری استاد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) و داور داخل، جناب آقای دکتر بابائی استاد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) که به عنوان نماینده تحصیلات تکمیلی در جلسه دفاعیه اینجانب قبول زحمت نموده و حضور پیدا کردند تقدیر و تشکر بعمل می آید .

ضمناً از همسر و فرزندان عزیزم که در منزل با ایجاد محیطی آرام همراه با صبر و حوصله در نگارش این پایان نامه بنده را یاری کردند تشکر و قدردانی می نمایم .

فصل اول

کلیات و مبانی نظری

۱	۱- مقدمه
۹	۲- معرفی اجمالی کشورها و مناطق درگیر بحران
۹	الف- معرفی اجمالی کشور گرجستان
۱۴	ب- معرفی اجمالی کشور روسیه
۱۶ج-	معرفی اجمالی منطقه قفقاز
۱۹	د- معرفی منطقه خودمختار اوستیای جنوبی
۲۱	۳- بررسی مبانی نظری موضوع
۳۲	۴- متغیرهای تاثیرگذار در بحران اوستیای جنوبی
۳۶	۵- چارچوب نظری تاثیرات بحران اوستیای جنوبی

فصل دوم

ریشه ها، علل و پیامدهای بحران اوستیای جنوبی

۴۰	۱- سیر تاریخی وقوع بحران در منطقه اوستیای جنوبی
۴۷	۲- زمینه های وقوع بحران بین روسیه و گرجستان
۵۹	۳- دلایل حمله گرجستان به جمهوری خود مختار اوستیای جنوبی
۶۲	۴- دلایل روسیه جهت اقدام نظامی علیه گرجستان
۶۴	۵- اقدامات تنبیهی روسیه علیه گرجستان بعد از بحران
۶۶	۶- بهره برداری روسیه از بحران اوستیای جنوبی
۷۰	۷- آثار جنگ بر اوضاع کشور گرجستان

فصل سوم

منافع بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای
در قفقاز و موضع آنها در بحران اوستیای جنوبی

- ۷۵ ۱ - جایگاه و اهمیت منطقه قفقاز برای بازیگران
۷۹ ۲- منافع بازیگران در منطقه قفقاز
۸۱ الف - منافع روسیه در منطقه قفقاز
۸۵ ب - منافع ایران در منطقه قفقاز
۸۹ ج- منافع آمریکا در منطقه قفقاز

-د

-۳

الف

ب

ج

-د

-و

- ۱۰۸ ز- موضع اتحادیه اروپا در بحران اوستیای جنوبی

فصل چهارم

تأثیر بحران اوستیای جنوبی بر روابط بین الملل

- ۱۱۵ ۱- تأثیر بحران اوستیای جنوبی بر ارتقاء جایگاه روسیه
۱۲۲ ۲- تأثیر بحران اوستیای جنوبی بر روابط ایران و روسیه
۱۳۱ ۳- تأثیر بحران اوستیای جنوبی بر روابط روسیه و اتحادیه اروپا
۱۴۳ ۴ - تأثیر بحران اوستیای جنوبی بر روابط روسیه و آمریکا
۱۴۸ ۵- تأثیر بحران اوستیای جنوبی در منطقه
۱۵۳ ۶ - تأثیر بحران قفقاز بر روابط بین الملل

۱۶۸ نتیجه گیری

۱۷۳ ضمائم

۱۷۸ کتاب نامه

فصل اول

کلیات و مبانی نظری

۱- مقدمه

نگاهی به تحولات دو دهه گذشته در کشورهای استقلال یافته حاصل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق نشان می دهد که آمریکا و متحدانش، پس از فروپاشی شوروی سابق نهایت تلاش خود را بکار بردند تا در این منطقه حضور یافته یا نفوذ کنند، لذا در کشورهای تازه استقلال یافته بویژه در منطقه قفقاز سرمایه گذاریهای زیادی کردند. آمریکا و هم پیمانانش، همزمان با پیگیری دیگر طرحهای سیاسی و اقتصادی خود از جمله طرح گسترش ناتو به شرق و پذیرش عضویت کشورهای اروپای شرقی در ناتو و اتحادیه اروپا، به شدت روی دو کشور آذربایجان و گرجستان در همسایگی روسیه و ایران متمرکز شدند، به طوری که این دو کشور به هم پیمانان اصلی اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا در منطقه قفقاز تبدیل شدند.

از جمله کشورهایی که در منطقه مدنظر آمریکا بوده کشور گرجستان است. در سال ۲۰۰۸ شاهد وقوع جنگ بین دو کشور گرجستان و روسیه بودیم. در خصوص اهداف گرجستان از آغاز درگیری و حمله به اوستیای جنوبی، بسیاری از کارشناسان معتقدند مقامات این کشور به دلیل تحریک قدرتهای فرا منطقه و چشم دوختن به کمکها و حمایتهای زیاد غرب دچار توهم و اشتباهی راهبردی شدند. برخی تحلیل گران مسائل سیاسی نیز معتقدند که این مناقشه موجب تقویت احتمال پیوستن گرجستان به ناتو می شد، لذا این هدف برای آغاز درگیری ها مورد نظر مقامات گرجستان بوده است.

اتحادیه اروپا هم در خصوص پیوستن گرجستان به ناتو به دو بخش تقسیم شده، تلاش کرد با اتخاذ موضعی محتاطانه به راه حل های مناسبی برای فرونشاندن بحران دست

یابد. اما آمریکا که مواضع تندتری در این خصوص علیه مسکو اتخاذ نمود، از یک سو به حفظ دستاوردهای خود در تغییر روسای جمهور در گرجستان و اوکراین می‌اندیشید و از سوی دیگر در تلاش بوده تا با تعقیب سیاستهای مخصوص دوران جنگ سرد و از طریق تثبیت حضور خود در کنار مرزهای روسیه به نظام بین‌المللی تک‌قطبی دست یابد، بنابراین عرصه قفقاز به منظور جبران شکست‌ها و به عنوان نقطه آغازی برای عزیمت به نظام تک‌قطبی یک جانبه گرا برای دولتمردان آمریکا حائز اهمیت است.

با پایان جنگ سرد نظام بین‌الملل شاهد منازعات منطقه‌ای و قومی در نقاط مختلف جهان بوده است که این منازعات بعضاً جنبه جهانی پیدا کرده است. بدلیل تحولات متعدد در صحنه روابط بین‌المللی در طی سالهای بعد از جنگ سرد، روابط بین‌الملل سیال و همواره دستخوش و تغییرات گسترده‌ای بوده که این مسئله شکل‌گیری نظام جدیدی را در صحنه سیاست جهانی بدنبال داشته است. به این دلیل وقوع هر بحران سیاسی با رقابت بین قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همراه بوده و تاثیر بسیار زیادی در روابط بین‌الملل به همراه داشته است.

منطقه قفقاز بدلیل اهمیت استراتژیکی و ژئواکونومیکی پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق مورد توجه قدرتهای منطقه‌ای مانند روسیه، ترکیه و ایران و فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و اروپا قرار گرفته و ما دائماً شاهد بحرانها و رویارویی قدرتها در این منطقه حساس بوده ایم که نمونه بارز آن بحران منطقه اوستیای جنوبی است. زمینه بحران اوستیای جنوبی از سال ۱۹۹۰ بعد از فروپاشی شوروی سابق و استقلال کشور گرجستان شروع شد، تیرگی روابط بین دو کشور گرجستان و روسیه را بدنبال داشته است و حرکت استقلال طلبانه مردم اوستیای جنوبی پس از فروپاشی شوروی سابق در راستای ایجاد کشوری مستقل در این منطقه با حمایت روسیه روبرو شده است.

از طرفی کشور گرجستان منطقه اوستیای جنوبی را بخشی لاینفک از سرزمین خود میداند، اما از زمان استقلال این کشور از شوروی سابق منطقه اوستیای جنوبی هیچگاه در برابر حاکمیت گرجستان تمکین نکرده و همواره ب فکر استقلال بعنوان یک کشور مستقل بوده است. این استقلال خواهی مورد حمایت روسیه بوده که حمایت سیاسی روسیه از اوستیای جنوبی مورد اعتراض دولت گرجستان قرار گرفته و این دولت معتقد است که دخالت روسیه در این منطقه دخالت در امور داخلی کشورش میباشد.

در این مورد امیراحمدیان می‌نویسد: "اگرچه منطقه درگیری در قلمرو حاکمیت گرجستان قرار دارد، اما از نظر روسیه و رهبران جدائی طلب اوستیای جنوبی این منطقه از گرجستان

جدا شده است و حکومت مستقلی دارد که براساس رای مردم قبل از اعلام استقلال گرجستان، از شوروی سابق جدا شده است.^۱

گرجستان بمنظور دستیابی برای کسب منافع بیشتر، مسائل این منطقه را تحت الشعاع روابط خود با قدرتهای منطقه ای یعنی روسیه و فرامنطقه ای یعنی آمریکا و اروپا قرار داده است. تحولات دو سال گذشته در منطقه بحران زده اوستیای جنوبی و جنگ بین روسیه و گرجستان و دخالت آمریکا در راستای تامین منافع خود باعث تغییر و تحول جدیدی در منطقه شده است و روابط بین روسیه و آمریکا را شدیداً تحت تاثیر عمیق خود قرار داده است و بعضی از تحلیل گران سیاسی و از آن بعنوان جنگ سرد جدید یاد میکنند.

در این خصوص یزدانی و تویسرکانی نوشته اند: "تبيين وضعیت موجود در روابط میان قدرتهای بزرگ امروزی از جمله آمریکا، روسیه، چین و اتحادیه اروپا تداعی کننده شکل گیری جنگ سرد جدیدی است. در زمینه های ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی که کشورهای عضو ناتو به رهبری آمریکا را در تقابل با دولتهای عضو سازمان همکاری شانگهای به رهبری چین و روسیه نشان میدهد. بررسی ابعاد و پیامدهای تحولات قفقاز و درگیری نظامی بین روسیه و گرجستان بر روابط میان قدرتهای جهانی در بازی بزرگ جدید، جنگ سرد جدیدی است که نشانه های آن از هم اکنون قابل مشاهده است."^۲

بحران منطقه اوستیای جنوبی در ماه اوت سال ۲۰۰۸ به اوج خود رسید و با حمله ناگهانی گرجستان به این منطقه به یک جنگ تمام عیار بین گرجستان و روسیه منجر شد. حمله گرجستان به اوستیای جنوبی با واکنش شدید روسیه مواجه گردید و باعث شد که این کشور ضمن پاسخ شدید به حملات ارتش گرجستان به داخل خاک این کشور وارد شود که این واکنش شدید آمریکا و اروپا را بدنبال داشت، لذا ضرورت دارد تا با ارزیابی و آگاهی کامل و دقیق از نقش و عملکرد هریک از قدرتهای منطقه و فرامنطقه ای بحران، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

از طرفی منطقه قفقاز در حوزه امنیتی کشورمان قرار دارد و هرگونه ایجاد جو ناامنی و ناآرامی میتواند بر ضریب امنیتی کشور ما تأثیرگذار باشد، زیرا منطقه مورد منازعه بین روسیه و گرجستان بنوعی در حوزه امنیتی کشورمان قرار گرفته است و با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط میباشد، لذا مسلم است که درگیری بین روسیه با گرجستان می تواند عاملی جهت توجیه حضور آمریکا در منطقه شود که این حضور عامل

۱- بهرام، امیراحمدیان، "جنگ قفقاز: یازده سپتامبر روسیه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۳، پاییز ۱۳۸۷، صفحه ۱۶

۲- عنایت اله، یزدانی و مجتبی، تویسرکانی، "تحولات قفقاز گامی دیگر در مسیر جنگ سرد جدید"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۳، پاییز ۱۳۸۷، صفحه ۱۱۳

ایجاد بحران و تنش در منطقه می‌گردد که تداوم آن میتواند امنیت ملی کشورمان تأثیرگذار باشد. از طرفی ایران میتواند از شرایط پیش آمده در جهت حفظ منافع ملی خود استفاده برده و در راستای بهره برداری از موقعیت پیش آمده بنحو احسن استفاده نماید.

در این خصوص کرمی می نویسد: "در بررسی سیاست ایران در منطقه قفقاز بعد از فروپاشی شوروی سابق شاهد دوره ای از فعالیت همکاری و میانجیگری از سوی ایران هستیم ولی بتدریج از نقش جمهوری اسلامی ایران کاسته شده و در نهایت سیاست ایران در مسائل منطقه به حاشیه کشیده می شود و این موضوع به نوعی به کاهش قدرت مانور ایران در منطقه انجامید. در پی این بحران معادلات قدرت بهم خورده است که میتواند به بازسازی معادلات موجود یا شکل گیری معادلات جدید کمک نماید که در نهایت می تواند بنفع ایران و در جهت منافع ملی کشورمان باشد."^۱

با توجه به ذکر مطالب فوق ضرورت دارد تا بحران اوستیای جنوبی با توجه به حساسیت منطقه و تاثیر این بحران در روابط بین الملل و منطقه ای رقابت بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در این پژوهش درصدد هستیم تا با بررسی سیر بحران در منطقه اوستیای جنوبی، تاثیرات و پیامدهای آن را مورد بحث و بررسی قرار دهیم که برای دستیابی به این مسئله ضرورت دارد، ابتدا ضمن آشنائی با جغرافیای کشورهای درگیر و مناطق اوستیای جنوبی و قفقاز، ابعاد مختلف بحران و تحولات، علت وقوع بحران، نقش و منافع قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای و در نهایت هدف اصلی ما اینست که تاثیر بحران بر روابط بین الملل و منطقه ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در مجموع می توان گفت موضوع بررسی ابعاد بین المللی و منطقه ای بحران منطقه اوستیای جنوبی، چگونگی وقوع جنگ نظامی بین گرجستان و روسیه، ارزیابی تاثیرات ناشی از آن در سطح روابط بین الملل و منطقه ای و بویژه تاثیر آن بر روابط بین روسیه با آمریکا و غرب در جنبه های مختلف و همچنین تاثیر آن بر روابط ایران و روسیه از اهداف این تحقیق می باشد.

علت انتخاب موضوع اینست که بحران اوستیای جنوبی به یک مسئله مهم جهانی تبدیل شد و روابط بین الملل و منطقه ای را بشدت تحت تاثیر خود قرار داده و پیامدهای بسیار گسترده ای را در سطح بین المللی بدنبال داشته است. علاوه بر آن این بحران بر سیاست خارجی کشورهای بزرگ منطقه مانند روسیه و ایران و فرامنطقه مانند، آمریکا و

۱- جهانگیر، کرمی، "ایران و بحران اوستیای جنوبی"، مقالات شانزدهمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸، صفحه ۵۳

اتحادیه اروپا نیز تاثیرگذار بوده است. همچنین بحران جدیدی است که تاکنون راجع به تاثیرات آن در روابط بین الملل کتابی نوشته نشده است، لذا تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف آن ضرورت دارد.

از طرفی این بحران در بهبود روابط بین ایران با روسیه موثر واقع گردید، لذا در روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بویژه در منطقه قفقاز از حساسیت خاصی برخوردار است، زیرا ضرورت دارد در شرایط فعلی هرگونه بحران منجر به تغییر و تحول در روابط بین روسیه با آمریکا و غرب بویژه بحرانهای حاشیه امنیتی ایران بدقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و اتخاذ سیاست مناسب کشورمان میتواند منافع جمهوری اسلامی ایران را در منطقه تامین نماید.

نویسنده در طول سه سال ماموریت خود در کشور گرجستان شاهد تحولات سیاسی این کشور بویژه وقوع انقلاب گل رز، بحران اوستیای جنوبی، بحران آبخازیا و تنش در روابط بین دو کشور گرجستان و روسیه بوده است و بر همین اساس مطالعات خود را در طول دوران ماموریت خود در این خصوص متمرکز کرده است. با توجه علاقمندی و حساسیت نویسنده به مسائل منطقه قفقاز، بالاخص کشور گرجستان و منطقه اوستیای جنوبی و شناخت کامل محیطی از منطقه در این پایان نامه تلاش نموده، بحران اوستیای جنوبی که از حوادث جدید در جهان است و تاکنون در خصوص آن کمتر تحقیق و بررسی شده است، با تاکید بر تاثیر آن بر روابط بین الملل، مورد تجزیه تحلیل قرار گیرد.

در زمینه پیشینه گرجستان در اوستیای جنوبی و اختلافات چندین ساله بین کشور روسیه و گرجستان کتابها، فصلنامه ها، ماهنامه ها و روزنامه های کثیرالانتشار مطالب و مقالات زیادی نوشته شده است، اما در خصوص بحران سال ۲۰۰۸ اوستیای جنوبی و جنگ بین گرجستان و روسیه و تاثیرات آن بر روابط منطقه ای و بین الملل تاکنون کتابی فارسی منتشر نشده، ولی در فصلنامه ها از جمله فصلنامه های مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ماهنامه ها از جمله ماهنامه رویدادها و تحلیل ها و ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی و روزنامه های کثیرالانتشار کشور مطالب زیادی به رشته تحریر درآمده که این مقالات به بررسی این بحران، پیامدها و تاثیرات آن پرداخته اند.

منطقه اوستیا از دید دولت گرجستان بخشی از خاک آن کشور است ولی حکومت روسیه و رهبران خود خوانده و جدائی طلب اوستیا اعتقاد دارند این منطقه حکومتی مستقل دارد و برپایه خواست مردمان آن منطقه پیش از اعلام استقلال گرجستان از اتحاد جماهیر شوروی، از آن کشور جدا شده است. استدال آنها اینست که آنها از همان حقی برخوردارند که گرجستان برای جدا شدن از اتحاد جماهیر شوروی داشته است و اگر رفتار ساکنین اوستیای جنوبی نادرست و غیرقانونی است، رفتار گرجیها در جدا شدن از

اتحاد جماهیر شوروی نیز نادرست و غیرقانونی است، لذا بر اساس این ادعا که از سوی رهبران اوستیای جنوبی و روسیه مطرح می شود، گرجستان به سرزمینی بیرون از حاکمیت قانونی خود یورش برده است.^۱

با این توضیحات میتوان گفت: "نظام بین الملل از مجموعه بهم پیوسته ای تشکیل شده است که اجزای تشکیل دهنده آن بطور لاینفک به یکدیگر وابسته اند و هر حرکتی که در یکی واحدهای آن پدید آید در واحدهای دیگر منعکس میشود. به موازات تغییر در ساختار نظام بین الملل و اهمیت منطقه قفقاز در نظام بین الملل این منطقه در کانون معادلات استراتژیک قدرتهای بزرگ قرار گرفت، لذا رویارویی نظامی فدراسیون روسیه و جمهوری گرجستان نیز در سطح منطقه محدود نماند و به صور مختلف نظام بین الملل را تحت تاثیر قرار داد."^۲

در خصوص تاثیر این بحران بر روابط روسیه با غرب نوع پرست در مقاله ای مینویسد: "تحولات اوستیای جنوبی فصل جدیدی را در چالشهای اتحادیه اورپا و ناتو بعد از خاتمه جنگ سرد گشود. ضدحمله گسترده روسیه در پاسخ به عملیات نظامی گرجستان نگرانیهای عمیقی را برای ناظرین سیاسی جهان بخصوص ناظران غربی بوجود آورد. در اوج بحران حتی بیم رویارویی غرب با روسیه و بی ثباتی منطقه برای بعضی از ناظران سیاسی جهان بوجود آمد. تسلیم موقتی کشورهای غربی در مقابل وضع موجود را میتوان به نوعی به عقب نشینی ناتو تعبیر نمود."^۳

با توجه به ابعاد گسترده بحران اوستیای جنوبی و جنگ روسیه و گرجستان بر سر این منطقه تحقیق حاضر بر آن است تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که بحران اوستیای جنوبی (جنگ بین روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸) چه تاثیری بر روابط بین قدرتها در عرصه بین الملل و منطقه داشته است؟

برای پاسخ به پرسش اصلی نیازمند پاسخگویی به چند سؤال فرعی ذیل هستیم :

- ۱- زمینه ها و عوامل موثر در وقوع بحران چه بوده است؟
- ۲- بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای درگیر در این بحران چه نقشی داشته اند؟
- ۳- مواضع قدرتهای منطقه ای و بین المللی در قبال این بحران چه بوده است؟

۱- بهرام، امیراحمدیان، "بحران گرجستان: طرفهای درگیر؛ علتها و پیامدها" ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۵۲-۲۵۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، صفحه ۳۹

۲- ولی، کوزه گر کالجی، "پیامدهای بحران گرجستان بر نظام بین الملل" فصلنامه مطالعات آسیای میانه و قفقاز، شماره ۶۵، بهار ۱۳۸۸، صفحه ۱۲۸

۳- زهرا، نوع پرست، "بحران گرجستان: فصل نوین در روابط روسیه و غرب" فصلنامه مطالعات آسیای میانه و قفقاز، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۸۷، صفحه ۲۹

۴- تحولات منطقه ای و بین المللی ناشی از این بحران چه بوده است؟

فرضیه این تحقیق این است که بحران اوستیای جنوبی و جنگ بین روسیه و گرجستان باعث ایجاد تنش بین قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای شده است و با ایجاد رقابت بین روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا، در سردی روابط روسیه با غرب موثر واقع شده و همچنین بر روابط روسیه با ایران تاثیرگذار بوده است.

همانطور که ذکر شد در این پژوهش و در بررسی بحران اوستیای جنوبی، بناست تاثیر بحران بر روابط بین الملل و روابط منطقه ای بررسی شود.

منظور از بحران اوستیای جنوبی (South Ossetia Crisis): در این پژوهش بحرانی است که با حمله گرجستان به منطقه اوستیای جنوبی جهت تصرف این منطقه برای اعمال حاکمیت بر آن منطقه آغاز شد و با حساسیت روسیه روبرو شد و در نهایت منجر به وقوع جنگ بین گرجستان و روسیه در ۸ اوت سال ۲۰۰۸ در این منطقه گردید.

منظور از روابط بین الملل (International Relations): در این پژوهش روابط بین روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا است. بعد از وقوع جنگ بین دو کشور گرجستان و روسیه که منجر به دخالت آمریکا و اتحادیه اروپا گردید، روابط سیاسی بین روسیه و غرب بشدت تحت تاثیر قرار گرفت. این روابط تحت عنوان روابط بین الملل در این پایان نامه بررسی می شود.

منظور از روابط منطقه ای (Regional relations): در این پژوهش نیز روابط بین کشورهای منطقه از جمله ایران و روسیه است، که بدلیل اهمیت تحولات و دخالت آمریکا در این بحران و موضعگیری روسیه و جمهوری اسلامی ایران روابط کشورهای منطقه نیز تحت تاثیر قرار گرفت و روابط بین دو کشور ایران و روسیه نیز از این بحران تاثیر پذیرفت.

بر این اساس بحران اوستیای جنوبی که بدنبال حمله کشور گرجستان به این منطقه و وقوع جنگ بین دو کشور گرجستان و روسیه اتفاق افتاد، بعنوان متغیر مستقل و روابط بازیگران بین المللی و منطقه ای بعنوان متغیر وابسته در این پژوهش مورد بررسی قرار میگیرد.

پژوهشگر در این نوشتار از منابع کتابخانه ای استفاده نموده و با روش توصیفی - تحلیلی تلاش دارد با برداشتی که از مفهوم بحران و پیامدها و تاثیرات آن بر روابط بین الملل دارد به بررسی تاثیرات موضوع بپردازد. در این جهت با مطالعه کتابها و مقالات و با روش کسب اطلاعات خام و بررسیهای کارشناسی می کوشد اطلاعات لازم را برای تحلیل موضوع گردآوری کند، لذا ضمن بررسی ریشه های تاریخی و سیاسی این بحران، در خصوص ابعاد، چگونگی شروع و تداوم بحران و پیامدهای آن و همچنین تاثیر آن بر روابط بین الملل و قدرتهای منطقه ای اطلاعات را گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار

میدهد. سپس اطلاعات بدست آمده بررسی شده و دسته بندی گردیده و بصورت متن تنظیم میگردد.

ویژگی این پژوهش اینست که در یک تحقیق منسجم پیشینه بحران و تحولات منطقه قفقاز و اوستیای جنوبی در طی سالیان گذشته و مشخصا بحران سال ۲۰۰۸ میلادی در منطقه اوستیای جنوبی که منجر به جنگ بین کشور گرجستان و روسیه گردید، بررسی می شود و تأثیر آن بر روابط بین الملل بویژه روابط بین روسیه با آمریکا و غرب و همچنین روابط بین روسیه با جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار میگیرد.

از آنجا که تحقیق حاضر، تحقیقی کتابخانه ای است بنابراین روش گردآوری اطلاعات به صورت استفاده از منابع موجود بوده و اطلاعات بدست آمده از این منابع مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد. مطالب عمده این پژوهش مربوط به مشخصات جغرافیائی، سیاسی و اجتماعی و همچنین پیشینه و زمینه های تاریخی و سیاسی وقوع بحران است و مطالب مربوط به وقوع جنگ بین دو کشور گرجستان و روسیه در سال ۲۰۰۸ و تأثیرات آن بر روابط منطقه ای و بین المللی از مطالب کتابها و مقالات موجود در فصلنامه ها، ماهنامه ها، هفته نامه ها، روزنامه های کثیرالانتشار، سایتهای اینترنتی و مصاحبات انجام شده با صاحب نظران، سیاستمداران، بیانیه های رسمی دولتها اعلام مواضع کشورها استخراج شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

منابع عمده تحقیق حاضر کتب و مقالاتی است که در خصوص مشخصات جغرافیائی، سیاسی و همچنین پیشینه بحران بین دو کشور گرجستان و روسیه به نگارش درآمده است. علاوه بر آن از مصاحبه های سیاستمداران، صاحب نظران، سران کشورها و همچنین بیانیه ها و موضعگیری رسمی دولتها در این دوره استفاده شده است.

این تحقیق شامل ۴ فصل است. در فصل اول به مبانی نظری مربوط به موضوع پرداخته شده است. در بخش دوم علل، ریشه ها و آثار این بحران مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در فصل سوم منافع بازیگران منطقه و فرا منطقه در بحران اوستیای جنوبی بررسی شده و همچنین به نقش و موضعگیری آنها در این بحران پرداخته شده است. در فصل چهارم تأثیرات و نتایج جنگ بین روسیه و گرجستان و بالاخص چگونگی تاثیر این بحران بر روابط بین الملل بررسی شده است.

در پایان تحقیق نیز نتیجه گیری از مباحث انجام شده، بیان می گردد.

۲- معرفی اجمالی کشورها و مناطق درگیر بحران

الف- معرفی اجمالی کشور گرجستان

گرجستان در حوزه جغرافیایی قفقاز قرار گرفته است که آن را منطقه درگیری‌های گسترده می‌نامند. در این منطقه جغرافیایی بیش از ۵۰ گروه قومی در محدوده‌ای به وسعت ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع زندگی می‌کنند. اگرچه این منطقه در سال ۲۰۰۸ فقط حدود ۲۵ میلیون نفر جمعیت داشته است؛ اما در طی سالهای بعد از فروپاشی شوروی سابق منازعات زیادی رخ داده که اکثراً جنبه بین‌المللی پیدا کرده است.

منطقه قفقاز از طریق یک سری رشته کوه، به دو حوزه قفقاز شمالی و جنوبی تقسیم شده است و امکان جداسازی منازعات این دو منطقه از یکدیگر، غیرممکن به نظر می‌رسد و در هر نزاعی بازیگران بین‌المللی نیز ایفای نقش می‌نمایند. بحران اوستیایی جنوبی که در قلمرو گرجستان قرار دارد، تحت تأثیر فضای اجتماعی، سیاسی و منطقه‌ای اوستیای شمالی است که در قلمرو روسیه واقع شد است. در چنین شرایط و فضایی در قفقاز جنوبی شاهد شکل‌گیری سه هویت دولتی شناخته شده یعنی کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌باشیم.^۱

موقعیت جغرافیایی گرجستان

گرجستان یکی از جمهوریهای بازممانده از شوروی سابق است، با تمدن و فرهنگی کهن و غنی که در مرکز و غرب قفقاز جنوبی واقع شده است. بخش غربی این جمهوری در سواحل شرقی دریای سیاه قرار دارد و سراسر مرزهای شمالی آن منطبق بر خط الرأس رشته کوه های سر به فلک کشیده قفقاز بزرگ است که منطقه بسیار حساس و استراتژیک قفقاز شمالی با جمهوری های داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردا-بالکار، قره چای - چرکس و آدیغه در ترکیب فدراسیون روسیه به ترتیب از شرق به غرب و از سواحل غربی دریای مازندران تا سواحل شرقی آن جای گرفته اند.^۲

گرجستان در مرکز و غرب منطقه قفقاز، بین ۴۱ درجه و ۷ دقیقه تا ۴۳ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۰ درجه و ۴ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۴۲ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این کشور به صورت طولی در امتداد مدارات کشیده

۱- افسانه، رشاد، تصاعد بحران در گرجستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه اطلاعات

راهبردی، شماره ۶۲، اردیبهشت ۱۳۸۸، صفحه ۲۹

۲- کتاب سبز گرجستان، تهیه شده در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه،

موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸، صفحه ۷

شده و طول آن در حدود ۳۷۰ کیلومتر، حداکثر عرض آن ۲۰۰ کیلومتر می باشد. مساحت این کشور ۶۹۷۰۰ کیلومتر مربع است. طول مرزهای گرجستان جمعاً ۱۹۷۰ کیلومتر است.^۱

این کشور در شمال با فدراسیون روسیه هم مرز و ۸۰۸ کیلومتر مرز مشترک دارد. این مرز از نظر نظامی - استراتژیک بسیار با اهمیت است، زیرا در حقیقت این مرز سرحدات طبیعی روسیه را در جنوب تشکیل می دهد که در جنوب آن گرجستان و در شمال آن جمهوریهای خودمختار فدراسیون روسیه قرار دارند. مهمترین راه های ارتباطی قفقاز، که روسیه را با گرجستان، ارمنستان و ایران پیوند می دهد، از این مرز می گذرد.

محافظت و نگهبانی از این مرز برای روسیه جنبه حیاتی دارد، کما اینکه در دوره شوروی و روسیه تزاری نیز دارای اهمیت بسیار بود و جنگهای بی شماری برای دستیابی به این سرحدات به وقوع پیوسته است. گرجستان در شرق با آذربایجان هم مرز است و دو راه عمده ارتباطی گرجستان با شرق، دریای خزر و ایران از این نقطه می گذرد (جاده زمینی و راه آهن) علاوه بر آن، لوله انتقال نفت باکو - باتومی و باکو - سوپسا نیز از این مرز می گذرد که در حال حاضر فعال هستند.^۲

بدین ترتیب گرجستان از شمال با روسیه، از شرق با آذربایجان، از غرب با دریای سیاه، از جنوب و جنوب غربی با ارمنستان و ترکیه هم مرز است. طول خط مرزی بین گرجستان و ارمنستان ۲۱۷ کیلومتر و با ترکیه ۲۵۶ کیلومتر است. در غرب، گرجستان به دریای سیاه محدود می شود که طول مرز ساحلی آن ۳۱۵ کیلومتر است. این کشور با مساحت حدود ۷۰ هزار کیلومتر مربع، دومین جمهوری قفقاز جنوبی از نظر مساحت و جمعیت بعد از آذربایجان در قفقاز جنوبی به شمار می رود.^۳

آمار جمعیت گرجستان و ترکیب آن

بر اساس برآوردهای سازمان ملل متحد جمعیت گرجستان در سال ۲۰۰۸ حدود ۴/۶۳۰ میلیون نفر است. یکی از ویژگیهای گرجستان تنوع قومی و نژادی می باشد. گرجی ها، ارمنی ها، آذری ها، روس ها و اقوام دیگر با مذاهب مسیحیان ارتدوکس، کاتولیک ها، ارامنه، مسلمانان و یهودیان در کنار هم در این کشور در کنار یکدیگر زندگی میکنند. جمعیت اصلی گرجستان را گرجیها تشکیل می دهند که ۸۳ درصد از کل جمعیت را به خود اختصاص می دهند. ارامنه با ۵/۷ درصد، روس ها با ۱/۵ درصد و آذربایجانی ها با ۶/۵

۱- روئین، مترولی، گرجستان، ترجمه بهرام امیراحمدیان، انتشارات سفارت گرجستان در تهران، ۱۳۷۵، صفحه ۶۶

۲- غلامرضا، هاشمی، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، صفحه ۵۵

۳- بهرام، امیراحمدیان، جغرافیای گرجستان، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۷، صفحه ۲۷

درصد از دیگر اقوام ساکن در گرجستان هستند که از نظر تعداد اهمیت دارند. در حدود ده درصد از جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می دهند. اغلب مسلمانان در منطقه آجارا و در شهرهای مرزی این کشور با جمهوری آذربایجان (شرق گرجستان) زندگی می کنند. از دیگر اقوام ساکن در گرجستان می توان از اوکراینی ها، اوستیها، آبخازی ها، کردها، یهودیها، آسوریها و بلاروس ها نام برد. حدود ۰/۸ درصد از جمعیت نیز از سایر اقوام کوچک تشکیل شده است. تراکم جمعیت گرجستان حدود ۷۸/۵ نفر در کیلومتر مربع می باشد. بیشترین تعداد جمعیت در مناطق حاشیه ای و کناره های دریای سیاه و دره های حاصلخیز زندگی می کنند. طی سال های قبل از فروپاشی شوروی تغییرات عمده ای در ترکیب جمعیت گرجستان به وجود آمد.^۱

بیشترین تغییرات مربوط به جمعیت یهودیها بود که در اثر کسب موافقت اتحاد شوروی سابق برای مهاجرت یهودیان به سرزمینهای اشغالی فلسطین رخ داد. تعداد یهودی های گرجستان در پایان سال ۱۹۸۹ تقریباً به نصف کاهش یافت. کردهای گرجستان که از نژاد ایرانی و دارای هویت و فرهنگ خاص خود هستند، حدود ۰/۵ درصد از کل جمعیت جمهوری را به خود اختصاص می دهند. افزایش بیش از حد آنها در گرجستان به سیاست های پاکسازی قومی ارمنستان و گسیل آنها به گرجستان صورت گرفته است.^۲

اهمیت استراتژیکی گرجستان

گرجستان به علت برخورداری از موقعیت کلیدی در منطقه قفقاز، مرکز ثقل ارتباط شرق - غرب و شمال - جنوب در منطقه به شمار می رود. این کشور از دیرباز تاکنون پل ارتباطی آسیای صغیر با قفقاز، ایران و آسیای مرکزی به ایفای نقش پرداخته است و دروازه قفقاز به سوی غرب است.

جمهوری گرجستان تنها کشور منطقه قفقاز است که به دریای آزاد راه دارد. وجود سه بندر سوخومی، پوتی و باتومی در کنار دریای سیاه موقعیت سوق الجیشی ویژه ای به گرجستان داده است و همین موقعیت استراتژیک موجب آن گردیده تا در طول تاریخ دولتهای یونان، روم، ایران، ترکیه، و روسیه برای دستیابی به این ناحیه با هم رقابت کنند. دسترسی گرجستان به دریای سیاه و امکانات بندری این کشور برای دو جمهوری دیگر قفقاز یعنی آذربایجان و ارمنستان که فاقد راه ارتباطی با دریای آزاد هستند، دارای اهمیت حیاتی است. همچنین این کشور برای جمهوری اسلامی ایران نیز برای ترانزیت کالا به اروپا و بالعکس دارای اهمیت می باشد. با توجه به مشکلات روسیه با اوکراین، گرجستان از اهمیت زیادی نیز برای مسکو برخوردار است.

1-www.gorjestan.blogfars.com/blog.html?page=comments&member=gorjestan

۲- پروین، معظمی گودرزی، گرجستان، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸، صفحه ۸۹

گرجستان با وقوف به این اهمیت، یکی از محورهای ارتباطات سیاسی منطقه‌ای خود را همکاری ترانزیتی با کشورهای همسایه قرار داده و قصد دارد از این امتیاز در جهت کسب اعتبار سیاسی منطقه‌ای بهره برداری نماید. در همین راستا گرجستان می‌کوشد تا به عنوان یک وزنه متعادل کننده در ارتباط با قطبهای مناقشه و رقیب که در همسایگی آن هستند، عمل نماید.^۱

با عنایت به وضعیت جغرافیایی، گرجستان می‌تواند از امکانات بندری و جاده‌ای خود برای ترانزیت کالا به کشورهای منطقه استفاده کند. در مرز شرقی این کشور، جمهوری آذربایجان قرار دارد که با توسعه میادین نفتی خود می‌تواند به عنوان یکی از منابع مهم نفت در جهان مطرح باشد. احداث خط لوله نفت از طریق گرجستان به بازار جهانی توسط کمپانی‌های غربی، ضمن برخوردار ساختن گرجستان از سود قابل توجه، به سرمایه‌گذاران غربی نیز کمک می‌کند تا به میلیارد‌ها دلار نفت و گاز منطقه آذربایجان و قزاقستان دسترسی داشته باشند. در عین حال در صورت تحقق عملی پروژه‌های انتقال انرژی، این امر موجبات کاهش نفوذ روسیه در قفقاز و آسیای مرکزی را فراهم می‌آورد.

همجواری دریای سیاه با مدیترانه از طریق سفر و دارداندل موجب اهمیت دریای سیاه به عنوان تنها راه ارتباطی مهم روسیه و کشورهای قفقاز با دریای آزاد است. حالت انحصاری ارتباطات دریایی کشورهای حوزه مدیترانه و اروپا از طریق دریای سیاه با کشورهای قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی موجب افزایش نقش و اهمیت گرجستان برای کشورهای مذکور شده است.^۲

اهداف و اصول سیاست خارجی گرجستان

مسئله محوری در سیاست خارجی گرجستان در کلیت نظام سیاسی، برقراری یک دولت آزاد و مستقل است. در این مرحله مشکل جمهوری گرجستان با بسیاری از همان نوع مشکلاتی مواجه بوده است که دیگر جمهوری‌های شوروی سابق با آن مواجهند. توسعه نهادهای سیاسی، بازسازی اقتصادی، تشکیل یک هویت ملی فراگیر بنحوی که بتواند خواسته‌های ملی را بی‌آنکه موجب انحراف اقلیت‌ها شود برآورده نماید.

طرح اصلی سیاست خارجی جمهوری گرجستان از سال ۱۹۹۱ تاکنون طی مراحل تنظیم شده است. سیاست خارجی جمهوری گرجستان در سال‌های اولیه پس از استقلال به شدت در جهت واگرایی منطقه‌ای و فاصله گرفتن از روسیه بوده است. بازگشت ادوارد

۱- کتاب سبز گرجستان، پیشین، صفحه ۷۶

۲- مترولی، پیشین، صفحه ۸۱